

سوگنامه باب 2

خداوند اورشلیم را مجازات می‌کند

- 1 خداوند دختر صهیون را با ابر خشم و غضب خود تیره و تار ساخت.
شکوه و جلال اسرائیل را که به اوج آسمان می‌رسید، بر زمین زد
و در هنگام خشم خود حتی خانه خویش را هم از یاد برد.
- 2 خداوند خانه‌های اسرائیل را بی‌رحمانه ویران کرد.
با قهر و غضب، قلعه‌های یهودا را منهدم ساخت.
سلطنتش را بی‌حرمت و حاکمانش را خوار ساخت.
- 3 با خشم شدید، قدرت اسرائیل را درهم شکست
و هنگامی که دشمن بر ما حمله کرد به داد ما نرسید.
خشم او مانند آتش علیه ما شعله‌ور شد و دار و ندار ما را نابود کرد.
- 4 همچون دشمن، ما را هدف تیر خود قرار داد
و جوانان ما را که مایه خوشی و سرفرازی ما بودند، هلاک ساخت.
در اورشلیم، سوزش آتش غضب او را احساس کردیم.
- 5 خداوند مثل یک دشمن، اسرائیل را نابود ساخت.
قصرها و قلعه‌هایش را با خاک یکسان کرد
و شهرهای یهودا را به ماتم‌سرا تبدیل نمود.
- 6 خداوند خانه خود را که معبد بزرگ ما بود، ویران کرد.
به روزهای عید و روزهای سبت خاتمه داد
و پادشاه و کاهنان را مورد خشم و غضب خود قرار داد.
- 7 خداوند قربانگاه خود را ترک کرد و جایگاه مقدس خود را خوار شمرد.
او دیوارهای اورشلیم را به دشمنان سپرد و به آنها اجازه داد که دیوارهایش را خراب کنند.
در معبد بزرگ که زمانی جایگاه پرستش مردم بود، دشمنان شیپور پیروزی و خوشی نواختند.
- 8 خداوند تصمیم گرفته است تا دیوارهای شهر صهیون را ویران سازد.
او همه شهر را برای ویرانی علامت‌گذاری کرد تا بکلی خراب شود
و هیچ قسمت آن آباد نماند و حتی برجها و دیوارهایش هم فرو ریزند.
- 9 دروازه‌های شهر در زمین فرو رفته و میله‌هایشان شکسته شد.
پادشاه و رهبران به کشورهای دیگر تبعید شده‌اند.
- احکام خداوند دیگر تعلیم داده نمی‌شوند و انبیا هم از جانب خداوند رؤیا نمی‌بینند.
- 10 ریش‌سفیدان اورشلیم با لباس ماتم بر زمین نشسته‌اند

و بر سر خود خاک می‌ریزند.

دوشیزگان اورشلیم، از غم سر بر زمین نهاده‌اند.

11 به خاطر مصیبتی که بر قوم من آمده و اطفال و کودکان شیرخواری که در جاده‌های شهر از حال رفته‌اند،

چشمانم از گریه تار شده‌اند،

روح افسرده و غمگین است و دلم از غم به جوش آمده است.

12 آنان با تن مجروح، گرسنه و تشنه در جاده‌ها افتاده‌اند.

از مادران خود خوراک می‌خواهند

و به تدریج در آغوش آنها جان می‌دهند.

13 ای اورشلیم به تو چه بگویم و تو را با چه مقایسه کنم؟

چگونه تو را تسلی دهم؟ زیرا هیچ‌کسی مثل تو رنج نکشیده است.

غمها و مصیبت‌هایت همچون دریایی بزرگ و بی‌کران است و کسی نیست که تو را شفا دهد.

14 انبیای تو رؤیاهای باطل می‌دیدند و به دروغ نبوت می‌کردند.

آنها با موعظه‌های خود، تو را فریب داده و گناهانت را آشکار نساخته‌اند.

با پیامهای دروغ خود تو را گمراه ساخته‌اند.

15 هرکسی که از کنار تو می‌گذرد،

با حالت تمسخر سر خود را تکان می‌دهد و می‌گوید:

«آیا این همان شهری نیست که با زیبایی کامل خود، محبوبترین شهر جهان و مایه خوشی همه مردم بود؟»

16 تمام دشمنانت تو را مسخره می‌کنند

و با نفرت به تو نگاه می‌کنند و می‌گویند:

«منتظر چنین روزی بودیم، اینک ببینید که چطور نابودش کردیم.»

17 خداوند آنچه را که سالها پیش اراده فرموده بود، انجام داد.

ما را با بی‌رحمی نابود کرد

و دشمنان ما را بر ما پیروز گردانید و آنها را از شکست ما خوشحال ساخت.

18 ای اورشلیم بگذار تا دیوارهایت با صدای بلند در حضور خداوند گریه کنند!

شب و روز سیلاب اشک از دیده جاری سازید

و از گریه و اندوه دست بردارید.

19 نیمه شب برخیزید و غم و درد دلتان را مثل آب به حضور خداوند بریزید.

برای کودکانی که در جاده‌ها از گرسنگی، بی‌حال افتاده‌اند، دست دعا بلند کنید.

20 خداوند، چرا با ما این چنین رفتار می‌کنی؟

زنها، کودکان نازپرورده خود را می‌خورند.

کاهنان و انبیا در خانه تو به قتل رسیده‌اند.

21 پیر و جوان در کوچه‌ها در خاک و خون می‌غلطند.

دوشیزگان و مردان جوان با شمشیر کشته شده‌اند.

در روز غضبت، همه را کشتی و بر آنها رحمی نکردی.

22 تو دشمنانم را دعوت کردی و آنها مثل کسانی که در جشن‌ها جمع می‌شوند، آمدند و از هر طرف مرا

به وحشت انداختند.

در هنگام خشم تو، کسی نتوانست جان سالم بدر ببرد.

آنها فرزندان مرا کشتند، آنانی را که محبت نمودم و پرورش دادم.